

رابطه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در دانشجویان

محسن گل‌پرور،* محمدحسین جمشیدیان**

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین رابطه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه اجرا شد. روش پژوهش همبستگی، جامعه آماری پژوهش دانشجویان دانشگاه آزاد اصفهان، واحد خوراسگان و نجف‌آباد و گروه نمونه ۳۷۴ نفر بود. این افراد از طریق نمونه‌گیری دومرحله‌ای انتخاب شدند. نمونه‌گیری به این صورت بود که در مرحله اول از هر گروه آموزشی دو کلاس انتخاب و سپس در هر دو دانشگاه با رعایت نسبت پسران و دختران دانشجویان، نمونه نهایی به صورت تصادفی انتخاب شد. ابزارهای پژوهش مقیاس *دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان.

drmngolparvar@gmail.com

**کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان.

akhlagh@dte.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۱/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۰۳



مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی (کالین، ۲۰۰۶) پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران (ساتون و داگلاس، ۲۰۰۵)، پرسش‌نامه باور به دنیای ناعادلانه (دالبرت و همکاران، ۲۰۰۱) و پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه عمومی (دالبرت، ۲۰۰۱) بود. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین ابعادی از مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با باور به دنیای عادلانه ($p < 0/01$) رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که فقط با باور به دنیای عادلانه می‌توان مسئولیت‌پذیری مبتنی بر تعهد و پیمان و مسئولیت‌پذیری اخلاقی اجتماعی کلی را پیش‌بینی کرد.

واژگان کلیدی

مسئولیت‌پذیری اخلاقی اجتماعی، باور به دنیای عادلانه، باور به دنیای ناعادلانه، دانشجویان.

طرح مسئله

در سیر تکامل تاریخی و همه‌جانبه انسان، چگونگی و چرایی پیروی یا سرپیچی از اصول اخلاقی و اجتماعی یکی از موضوعات بسیار اختلاف‌برانگیز و درخور توجه اندیشمندان بوده و هست (تیلر و دی‌کرمر،^۱ ۲۰۰۹؛ بربلس و دیگران،^۲ ۲۰۱۳). بشر در تاریخ زندگی خود جلوه‌هایی از مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی را بروز داده است. با نگاهی اخلاق‌مدارانه به رفتارهای گروه‌های سنی

1. Tyler & De Cremer.

2. Brebels, De Cremer, Sedikides & Van Hiel.

گونگون، این موضوع واقعیتی انکارناپذیر است که امروزه به واسطه مشکلات مختلف، جوامع بشری بیش‌ازپیش نیازمند توجه به مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی هستند (کاوازا،^۱ ۲۰۰۷؛ جامیسون،^۲ ۲۰۰۸؛ کاروسو،^۳ ۲۰۱۲).

در بسیاری از عرصه‌های زندگی، اگر انسان‌ها خواهان پایبندی به مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی خود نباشند، هیچ نیرویی قادر به بازسازی آن‌ها از تجاوز به حقوق دیگران نخواهد بود (بربلسو دیگران،^۴ ۲۰۱۱). مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی در متن همین نگاه بازدارنده است. می‌توان گفت، اخلاق به معنی تشخیص و سنجش یا گزینش رفتار و برخورد با پدیده‌ها بر مبنای رعایت اصول و قاعده‌های انسانی و خدایسندانه است. همچنین، اخلاق منجر به رشد فردی و اجتماعی شده و ضمن تأمین حقوق اعضای جامعه به سعادت و بهروزی جامعه کمک می‌کند (سامرس،^۵ ۲۰۱۲). از طرف دیگر، از نگاه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی، نگرش و تأمل اخلاقی به یافتن راه‌حل برای مشکلات خود و دیگران و برخوردی عادلانه با آن‌ها منجر می‌شود (اسکیتکا و دیگران،^۶ ۲۰۰۸؛ اسکات و دیگران،^۷ ۲۰۰۹). بنابراین، از بُعد پدیدارشناختی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی در برگیرنده تعهدهای شناختی و رفتاری برای عمل به شیوه‌ای مسئولانه است. البته این شیوه براساس اصول اخلاقی و اجتماعی لازم برای زندگی سالم و بدون از بین بردن حقوق خود و دیگران است (محمودیان، ۱۳۸۰).

1. Chwaszcza.

2. Jamieson.

3. Caruso.

4. Brebels, De Cremer, Sedikides & Van Hiel.

5. Sommers.

6. Skitka, Bauman & Mullen.

7. Scott, Colquitt & Paddock.

تاکنون درباره مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است (گیلی‌لند و دیگران،^۱ ۲۰۰۸). برای نمونه در بسیاری از نظریه‌های رشد اخلاقی، مانند نظریه مراحل رشد اخلاقی کلبرگ، به تحول اخلاقی از طریق روش تفکر هر شخص درباره موضوعات اخلاقی و اجتماعی توجه شده است. همان‌طور که برخی پژوهشگران اشاره کرده‌اند، نکته مهم این است که اغلب نظریه‌های مطرح‌شده در عرصه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی، به صورت ویژه، نظریه‌ای در باب عدالت هم محسوب می‌شوند (وندورف و دیگران،^۲ ۱۹۹۹). به همین دلیل، می‌توان گفت که عدالت و اخلاق دو وجه جدایی‌ناپذیر در اندیشه و عمل انسان‌ها هستند (جاست و کای،^۳ ۲۰۱۱؛ سامرس، ۲۰۱۲). به بیان ساده‌تر اینکه باورهای انسان در باب عدالت، در مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (لوکاس و دیگران،^۴ ۲۰۱۱؛ لرنر و کلایتون،^۵ ۲۰۱۱؛ لورین و فیتس‌سیمونز،^۶ ۲۰۱۱). به واسطه همین درهم‌آمیختگی عدالت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی و رابطه میان آن‌هاست که می‌توان گفت، باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه از زمره اندیشه‌ها و باورهایی است که در عرصه عدالت، رفتارهای مسئولانه اخلاقی و اجتماعی را از خود متأثر می‌سازد (دالبرت،^۷ ۲۰۰۱؛ فرنهام،^۸ ۲۰۰۳).

-
1. Gilliland, Steiner & Skarlicki.
 2. Wendorf, Alexander & Firestone.
 3. Jost & Kay.
 4. Lucas, Zhdanova & Alexander.
 5. Lerner & Clayton.
 6. Laurin, Fitzsimons & Kay.
 7. Dalbert.
 8. Furnham.

براساس نظریهٔ باور به دنیای عادلانه، اغلب انسان‌ها تمایل دارند که دنیا را مکانی مملو از نشانه‌های حضور عدالت تلقی کنند و برپایهٔ این باور، زندگی خود را با امیدواری و اعتماد و اطمینان به آینده به پیش برند (فتی، ۲۰۱۲^۱؛ دونات و دیگران، ۲۰۱۲^۲). در تأیید اینکه باور به دنیای عادلانه می‌تواند برای انسان‌ها پیامدهای ارزشمندی را در سطح روانی و اجتماعی به همراه آورد، چهار دهه پژوهش شده است. نتیجهٔ این پژوهش‌ها نشان داده است که باور به دنیای عادلانه دارای کارکرد ایجاد اعتماد به دیگران و پذیرش مسلط بودن عدالت بر سرنوشت انسان است. همچنین، این باور به انجام رفتار عادلانه برای حفظ عدالت همراه با تلاش شناختی و کاهش تأثیر بی‌عدالتی‌هایی منجر می‌شود که انسان با آن‌ها روبه‌روست (کاپلان، ۲۰۱۲^۳). به معنایی صریح‌تر، انسان‌ها نیازمندند به این باور برسند که دنیا مکانی است که در آن هرکس به آنچه شایستگی‌اش را دارد، دست می‌یابد (دونات و همکاران، ۲۰۱۲). افراد بدون داشتن این باور نمی‌توانند به آسانی خود را نسبت به پیگیری هدف‌های بلندمدت و تنظیم رفتارهای اجتماعی‌شان در زندگی متعهد سازند (ناکسومالو، ۲۰۱۰). بنابراین، چون باور به دنیای عادلانه کارکردهای مهمی دارد، افراد برای رهاکردن این باورها مقاومت زیادی از خود نشان می‌دهند. چنانچه آنان با شواهدی روبه‌رو شوند که نشان دهد دنیا مکانی عادلانه نیست یا از روی نظم و ترتیب عمل نمی‌کند، آشفته می‌شوند (دونات و همکاران، ۲۰۱۲). در

1.Fetty.
2.Donat, Umlauf, Dalbert & Kamble.
3.Kaplan.
4.Nxumalo.

چنین شرایطی گفته می‌شود که افراد به جای باور به دنیای عادلانه، به دنیای ناعادلانه باور دارند (لیانگ و بوردس^۱، ۲۰۱۲).

باور به دنیای ناعادلانه باور به جهانی غیرمنصف و مقابله‌جو با انسان‌هاست که در آن سراسر بی‌مهری به نمایش گذاشته می‌شود (گل‌پرور، ۱۳۸۹). در این جهان، بی‌گناهان به جرم هرگز نکرده تنبیه می‌شوند. همچنین، هرکس راه‌ورسم سوءاستفاده از دیگران و گریز از قانون‌های انسانی را بداند و ساده‌تر بتواند خود را از نظر ذهنی و شناختی متقاعد سازد، می‌تواند با خیال آسوده حقوق دیگران را پایمال کند. بنابراین، چنین فردی به جمع‌آوری مال و ثروت از راه‌های به ظاهر مشروع، اما درحقیقت نامشروع و اعمال غیراخلاقی دیگر خواهد پرداخت (لنچ و چانگ، ۲۰۰۷^۲). چنین دیدگاهی به جهان، اگر هم مصداقی داشته باشد، با باور به دنیای عادلانه تعارضی بنیادین دارد (هیل، ۲۰۰۹). به همین دلیل، انسان‌هایی که به دنیای ناعادلانه باور دارند و درعین حال، بستر روانی برای آن‌ها مهیاست، به بدگمانی و پرخاشگری تمایل دارند و به‌شدت آماده‌اند که نشانه‌های نارسایی‌های روان‌شناختی را تجربه کنند (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۹۱؛ روزهبورگو و دیگران، ۲۰۱۱^۴؛ روشنی و دیگران، ۲۰۱۳^۵).

شواهد پژوهشی نشان داده است که باور به دنیای عادلانه عاملی ضربه‌گیر، محافظت روان‌شناختی، در مقابله با واقعیت‌های خشن دنیای فانی است و

-
1. Liang & Borders.
 2. Lench & Chang.
 3. Hill.
 4. Roseborough, Wiesenthal, Flett & Cribbie.
 5. Roshani, Jalili & Mohri Adaryani.

حس کنترل بر سرنوشت را برای انسان به‌ارمغان می‌آورد (فرنهام، ۲۰۰۳)؛ درحالی‌که اغلب، باور به دنیای ناعادلانه باعث آسیب‌پذیری رفتاری و شناختی در افراد می‌شود (گل‌پرور و دیگران، ۱۳۹۱). تاکنون پژوهش‌های گوناگون انجام شده نشان داده است که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با رفتارهای متنوع اجتماعی در موقعیت‌های مختلف، حالت‌های گوناگون روان‌شناختی و سلامتی و به‌زیستی انسان رابطه دارد (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۹۱؛ کوریا و دالبرت، ۲۰۰۸^۱؛ پیچون و ساروگلو، ۲۰۰۹^۲؛ وایت و دیگران، ۲۰۱۲^۳).

نکته مهم درباره یافته‌های پژوهشی که به بخشی از آن‌ها اشاره شد، این است که همچنان پرسش‌های زیادی در این باره بدون پاسخ مانده‌اند؛ مانند اینکه آیا باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی رابطه دارد؟ آیا این باورها می‌توانند افراد را از نظر مسئولیت‌پذیری در ابعاد گوناگون تحت تأثیر قرار دهند؟ مروری بر پژوهش‌های موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی در داخل و خارج از کشور، به‌خوبی می‌تواند این ادعا را تأیید کند که تاکنون در کمتر پژوهشی رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی بررسی شده است. این در حالی است که از لحاظ نظری، باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه توان زیادی برای تنظیم رفتار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی دارد.

1. Correia & Dalbert.
 2. Pichon & Saroglou.
 3. White, MacDonnell & Ellard.

اپنهايمر^۱ (۲۰۰۵) با مروری بر پژوهش‌های انجام شده بیان کرد که باور به دنیای عادلانه درون مایه عدالت غایی (غایت‌گرایانه) دارد. یعنی اینکه انسان‌های باورمند به دنیای عادلانه، به این دلیل که معتقدند، سرانجام، عدالت بر تمامی موقعیت‌ها و پدیده‌ها مسلط خواهد شد، خود را به پایبندی به اصول اخلاقی و اجتماعی ملزم می‌دانند (اپنهايمر، ۲۰۰۵). این همان چیزی است که اندیشمندان و نظریه‌پردازان گوناگون در مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی نیز بر آن تأکید کرده‌اند (کاوازچا، ۲۰۰۷؛ جاميسون، ۲۰۰۸؛ کاروسو، ۲۰۱۲). بنابراین، نخستین مبنای نظری مطرح شده برای پژوهش حاضر، مبتنی بر رویکرد نظری تلقی باور به دنیای عادلانه به عنوان شکلی از عدالت غایی است (اپنهايمر، ۲۰۰۵). رویکرد نظری تلقی باور به دنیای عادلانه، به عنوان نوعی عدالت غایت‌نگرانه، به معنی غلبه نهایی عدالت بر همه پدیده‌ها، در درجه نخست، موجب امیدواری و خوش‌بینی انسان به آینده می‌شود. این خوش‌بینی به آینده، به آرامی انسان‌ها را به سوی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی سوق می‌دهد و به این ترتیب، بسترساز تحقق عینی اخلاق در روابط می‌شود (اپنهايمر، ۲۰۰۵). طبیعی است که باور به دنیای ناعادلانه، برخلاف باور به دنیای عادلانه، نه تنها باور به غلبه نهایی عدالت بر همه پدیده‌ها، عدالت غایت‌نگر، را ایجاد نمی‌کند، بلکه موجب تضعیف آن می‌شود. به همین دلیل، به لحاظ نظری، باور به دنیای ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی رابطه منفی دارد.

1. Oppenheimer.

علاوه بر رویکرد نظری عدالت غایی، فرنهام (۲۰۰۳) دربارهٔ باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه تأکید کرده که باور به دنیای عادلانه شامل سازوکارهای رفتاری برای مقابله با دنیایی است که در بسیاری از موقعیت‌ها خود را بی‌ثبات نشان می‌دهد (فرنهام، ۲۰۰۳). یکی از شیوه‌های مقابلهٔ شناختی که اکنون نیز به‌عنوان کارکردی مهم برای باور به دنیای عادلانه معرفی می‌شود (فتی، ۲۰۱۲؛ دونات و همکاران، ۲۰۱۲)، این است که افراد سعی می‌کنند با انجام رفتارهای عادلانه دین خود را به جهانی که تشنهٔ عدالت است، ادا کنند (کاپلان، ۲۰۱۲). بر همین اساس، دومین رویکرد نظری دربارهٔ رابطهٔ بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی، رویکرد نظری الزام شخصی اخلاقی و اجتماعی برای تحقق‌بخشیدن به عدالت در عرصهٔ جهانی است. به‌عبارت دیگر، انسانی که دنیا را مکانی می‌انگارد که از طریق اصول عادلانه، یعنی اصول وابسته به شایستگی اداره می‌شود، رفتار مسئولانهٔ اخلاقی و اجتماعی را نیز ایزاری می‌داند که در مسیر تحقق عینی باورهای اوست (لوکاس و همکاران، ۲۰۱۱؛ لرنر و کلایتون، ۲۰۱۱؛ لورین و فیتس‌سیمونز، ۲۰۱۱). درحالی‌که باور به دنیای ناعادلانه به‌دلیل ماهیت نامیدکننده‌اش نمی‌تواند رفتار مسئولانه را در افراد ایجاد و آن‌ها را به‌سمت آن هدایت کند.

باتوجه به آنچه بیان شد، دو رویکرد نظری وجود دارد: ۱. باور به دنیای عادلانه به‌عنوان شکلی از باور به عدالت غایی؛ ۲. الزام شخصی و اخلاقی در تلاش برای تحقق عینی عدالت. براساس این دو رویکرد، می‌توان باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه را تلاش برای فهم دنیا به‌عنوان مکانی سرشار از عدالت یا بی‌عدالتی دانست که پیش‌زمینه‌ای برای رشد و تعالی اجتماعی و اخلاقی خواهد بود (دالبرت، ۲۰۰۱). از این دیدگاه نیز می‌توان احتمال وجود رابطهٔ

بین مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی را با باور به دنیای عادلانه پیش‌بینی کرد. از طرف دیگر، در حمایت از رابطه بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که در آن‌ها، انسان‌ها علاوه بر باور به دنیای عادلانه برای خود، به دنیای عادلانه یا ناعادلانه برای دیگران نیز معتقدند (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶؛ ساتون و داگلاس،^۱ ۲۰۰۵). از چنین منظری، وقتی افراد عدالت در دنیا را برای خود و دیگران ارزیابی می‌کنند، کاملاً منطقی است که در تحقق عدالت برای دیگران نیز، احساس مسئولیت اجتماعی و اخلاقی کنند.

در جمع‌بندی باید گفت که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، به صورت بالقوه این توان را دارد که افراد را به سوی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی سوق دهد. دلیل این توان این است که این باورها دارای کارکرد الزام‌شناختی به باورها و هماهنگ‌سازی رفتار با الزام‌شناختی برای حفظ تعادل و سلامت روانی هستند. از نظر ضرورت، این پژوهش مشخص خواهد کرد که تا چه اندازه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی رابطه دارد و بنابراین، کمبود علمی و داده‌ای این حوزه را تا اندازه‌ای برطرف خواهد کرد. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین رابطه ساده و ترکیبی باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و به صورت عمومی و باور به دنیای ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی است. همچنین، مسئله اصلی پژوهش این است که آیا میان باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و به صورت عمومی و باور به دنیای ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و

1. Sutton & Douglas.

اخلاقی رابطه وجود دارد؟ پرسش‌های اصلی و جزئی مطرح‌شده در پژوهش حاضر نیز به شرح زیر است:

۱. آیا باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و به‌صورت عمومی با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی رابطه دارد؟
۲. آیا باور به دنیای ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی رابطه دارد؟
۳. آیا از طریق باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و به‌صورت عمومی و باور به دنیای ناعادلانه می‌توان مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی را پیش‌بینی کرد؟

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، متغیرهای پیش‌بین و مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی، متغیر ملاک است. جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی اصفهان، یعنی خوراسگان و نجف‌آباد تشکیل می‌دهند. برای دستیابی به نمونه، با توجه به اینکه دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد حدود دو برابر دانشگاه آزاد خوراسگان دانشجو داشت، نسبت دو به یک، برای دانشگاه آزاد نجف‌آباد و خوراسگان در نظر گرفته شد. در نمونه‌گیری به این شکل عمل شد که در هر دانشگاه، نخست از رشته‌های فنی و علوم انسانی و علوم پزشکی دو کلاس انتخاب شد. سپس هر کلاس به‌عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد و متناسب با نسبت دختران و پسران ۳۷۴ نفر، ۲۵۰ دختر و ۱۲۴ پسر، به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. نسبت پسران به دختران در دانشگاه آزاد نجف‌آباد دو به یک و

در دانشگاه آزاد خوراسگان یک به دو بود. همچنین، از این ابزارها در پژوهش استفاده شد:

۱. پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران^۱ (BJWS&OQ)

برای سنجش باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران از دو مجموعه هشت پرسشی، یکی برای خود و دیگری برای دیگران، استفاده می‌شود که ساتون و داگلاس (۲۰۰۵) آن را طراحی کرده‌اند. همچنین، پاسخ به این پرسش‌نامه بر مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای، کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۷ است. مقیاس باور به دنیای عادلانه برای خود، باور فرد پاسخ‌گو را در باب رعایت عدالت در دنیا برای خود فرد می‌سنجد و مقیاس باور به دنیای عادلانه برای دیگران، باور فرد پاسخ‌گو را در باب رعایت عدالت در دنیا برای دیگران می‌سنجد. «آنچه در دنیا نصیب من می‌شود، عادلانه است»، یک نمونه از پرسش‌های باور به دنیای عادلانه برای خود است. همچنین، «آنچه در دنیا نصیب دیگران می‌شود، عادلانه است»، یک نمونه از پرسش‌های باور به دنیای عادلانه برای دیگران است. گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۶) این دو پرسش‌نامه را ترجمه و پایایی سنجی و روایی‌یابی کردند. به ترتیب، آلفای کرونباخ برای مقیاس باور به دنیای عادلانه برای خود، برابر با ۰/۷۵ و برای مقیاس باور به دنیای عادلانه برای دیگران نیز از ۰/۷۵ تا ۰/۸۴ در نوسان بوده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای خود برابر با ۰/۷۱ و برای پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه برای دیگران برابر با ۰/۷۵ به دست آمد.

1. Belief in a Just World for Self & Others Questionnaire (BJWS&OQ).

۲. پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه عمومی^۱ (GBJWQ)

برای سنجش باور به دنیای عادلانه عمومی از پرسش‌نامه هفت‌پرسی معرفی شده توسط دالبرت (۲۰۰۱) استفاده می‌شود که قبلاً در ایران (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶) ترجمه و اعتباریابی شده است. این پرسش‌نامه باورهای عمومی فرد درباره رعایت عدالت و انصاف در دنیا را می‌سنجد. جمله «معتقدم تا حد زیادی سزاوار حوادثی هستم که در دنیا برایم اتفاق می‌افتد»، یک نمونه از پرسش‌های این پرسش‌نامه است. پاسخ به این پرسش‌نامه نیز بر مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت، کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۷ است و در داخل و خارج، شواهد روایی و پایایی مطلوبی دارد (دالبرت، ۱۹۹۹؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶). گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۶) آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ را برای این پرسش‌نامه گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر برای بررسی روایی سازه این پرسش‌نامه، تحلیل عاملی اکتشافی، با چرخش از نوع واریماکس انجام شد. این تحلیل عاملی، هفت پرسش را بر یک عامل با آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۲ قرار داد.

۳. پرسش‌نامه باور به دنیای ناعادلانه^۲ (BUJWQ)

برای سنجش باور به دنیای ناعادلانه از مقیاس چهارپرسی معرفی شده توسط دالبرت، لایپکوس، سالی و گوچ^۳ (۲۰۰۱) استفاده و در مقیاس شش‌درجه‌ای لیکرت، کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۶ پاسخ داده می‌شود. این

1. General Belief in a Just World Questionnaire (GBJWQ).
 2. Belief in an Unjust World Questionnaire (BUJWQ).
 3. Dalbert, Lipkus, Sallay & Goch.



پرسش‌نامه در ایران در چند پژوهش بررسی شد (گل‌پرو و واثقی، ۱۳۹۰) و از نظر روایی و پایایی شواهد مقبولی دارد. چهار پرسش این پرسش‌نامه باور به دنیای ناعادلانه عمومی را می‌سنجد. «انسان‌ها در این دنیا از سرنوشتی ناعادلانه رنج می‌برند»، یک نمونه از پرسش‌های این پرسش‌نامه است. گل‌پرو و واثقی (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را برابر با ۰/۶۲ گزارش کرده‌اند. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر برابر با ۰/۶ به دست آمد.

۴. پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی^۱ (MSRQ)

کالین^۲ (۲۰۰۶) پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی را ساخته و مسئولیت‌پذیری را بر مبنای رشدیافتگی اخلاقی سنجیده است. ویژگی این پرسش‌نامه این است که نسبت به پرسش‌نامه قضاوت اخلاقی کلبِرگ از میزان سوگیری‌های فردی مربوط به تفسیر پرسش‌های پاسخ‌دهندگان تا حدود زیادی در آن کاسته شده است (کالین، ۲۰۰۶). امتیازهای این پرسش‌نامه مقیاسی در اختیار قرار می‌دهد که با استفاده از این مقیاس می‌توان به رشد و تحول استدلال درباره موضوعات اخلاقی و اجتماعی، از کودکی تا بزرگسالی دست یافت. این پرسش‌نامه شامل یازده پرسش است. هر پرسش نیز پرسش‌هایی فرعی دارد که تعارض بین دو موضوع را نشان می‌دهد.

نمره‌گذاری هر پرسش در دو سطح انجام می‌شود. در مرحله اول، میزان اهمیت تعیین می‌شود. در این مرحله فرد پاسخ‌گو از بین سه پاسخ «مهم نیست»

1. Moral- Social Responsibility Questionnaire (MSRQ).

2. Collin.

و «مهم است» و «خیلی مهم است»، یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کند. در این مرحله به گزینه مهم نیست، نمره صفر و به گزینه مهم است، نمره ۱ و به گزینه خیلی مهم است، نمره ۲ داده می‌شود. در مرحله دوم، برحسب اهمیت دلیلی که فرد براساس آن گزینه‌های مرحله اول را انتخاب کرده است، به فرد دوباره نمره‌ای تعلق می‌گیرد. نحوه نمره‌گذاری این پرسش‌نامه تابع تعداد گزینه‌های انتخابی برای هر پرسش است. برای نمونه، پرسش اول در مرحله دوم دوازده گزینه استدلالی دارد. در این دوازده گزینه استدلالی، هر گزینه نماینده سطحی از مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی است. انتخاب هریک از این گزینه‌ها انعکاس سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی فرد پاسخ‌گو خواهد بود. امتیاز ۱، برای پایین‌ترین سطح، و ۱۲ برای بالاترین سطح است.

به‌طور طبیعی برای پرسش‌هایی مانند پرسش دوم که پانزده گزینه استدلالی دارد، امتیازها از ۱ تا ۱۵ در نوسان است. این پرسش‌نامه برای نخستین بار در این پژوهش ترجمه و اجرا شد. بنابراین، تحلیل عوامل در این پرسش‌نامه به‌شیوه مؤلفه‌های اصلی و با استفاده از چرخش متعامد واریماکس صورت گرفت. این تحلیل عاملی، سه عامل با نام‌های مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران و مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین و مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان را به‌دست داد. پس از آن، آلفای کرونباخ محاسبه شد که به ترتیب برای مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان، مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران، مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی ۰/۶، ۰/۶ و ۰/۶ به‌دست آمد. پس از آماده‌سازی ابزارهای پژوهش، پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی و پرسش‌نامه‌های باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت تا پاسخ دهند. شیوه پاسخ‌دهی به این

پرسش‌نامه‌ها به صورت خودگزارش‌دهی بود. افراد گروه نمونه در یک فاصله‌زمانی، بین ۲۰ تا ۲۵ دقیقه، به ۲۷ پرسش پرسش‌نامه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و ۱۱ پرسش پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی اخلاقی پاسخ دادند. در پایان، داده‌ها همزمان از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تحلیل شدند.

یافته‌ها

در جدول ۱، همبستگی بین مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه ارائه شده است.

جدول ۱: ضریب همبستگی میان متغیرهای پژوهش

ردیف	مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی	دنیای عادلانه خود		دنیای عادلانه دیگران		دنیای عادلانه عمومی		دنیای ناعادلانه	
		P	r	p	r	p	r	p	r
۱	مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان	۰/۰۲	۰/۱۲*	۰/۰۰۲	۰/۱۶*	۰/۰۳	۰/۱۱*	۰/۰۸	۰/۱۱
۲	مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۲۸	۰/۰۶	۰/۹۸	۰/۰۰۱	۰/۰۶	۰/۲۳
۳	مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۱۳*	۰/۰۳	۰/۱۱*	۰/۰۷	۰/۲
۴	مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی	۰/۰۰۷	۰/۱۴**	۰/۰۰۲	** ۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۵

* $p < 0.05$

** $p < 0.01$

چنان‌که در جدول ۱ دیده می‌شود، مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان با باور به دنیای عادلانه برای خود ($p < 0/05$) و با باور به دنیای عادلانه برای دیگران ($p < 0/01$) و با باور به دنیای عادلانه عمومی ($p < 0/05$) رابطه مثبت و معناداری دارد؛ ولی با باور به دنیای ناعادلانه رابطه معناداری ندارد ($p > 0/05$). مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران با هیچ‌یک از ابعاد باور به دنیای عادلانه رابطه معناداری ندارد ($p > 0/05$). مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین با باور به دنیای عادلانه برای دیگران ($p < 0/01$) و با باور به دنیای عادلانه عمومی ($p < 0/05$) رابطه مثبت و معناداری دارد؛ ولی با باورهای دنیای عادلانه برای خود و باورهای دنیای ناعادلانه رابطه معناداری ندارد ($p > 0/05$). مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی نیز فقط با باور به دنیای عادلانه برای خود ($p < 0/01$) و با باور به دنیای عادلانه برای دیگران ($p < 0/01$) رابطه مثبت و معناداری دارد؛ ولی با باور به دنیای عادلانه عمومی و باور به دنیای ناعادلانه رابطه معناداری ندارد ($p > 0/05$).

براساس نتیجه‌های بیان‌شده در جدول ۱، پرسش اول پژوهش، یعنی «آیا باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و به‌صورت عمومی با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی رابطه دارد؟»، به این صورت پاسخ داده می‌شود:

. مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان با باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و عموم رابطه مثبت و معناداری دارد؛
 . مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین با باور به دنیای عادلانه برای دیگران و عموم رابطه مثبت و معناداری دارد؛

. مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی، فقط با باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران رابطه مثبت و معناداری دارد.

همچنین، براساس نتیجه‌های ارائه‌شده در جدول ۱، پرسش دوم پژوهش، یعنی «آیا باور به دنیای ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی رابطه دارد؟» نیز به این صورت پاسخ داده می‌شود:

. باور به دنیای ناعادلانه با هیچ‌یک از ابعاد مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی رابطه معناداری ندارد.

برای بررسی پرسش سوم پژوهش، رابطه ترکیبی بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی تحلیل رگرسیون به‌شیوه همزمان انجام شد. نتیجه تحلیل‌های رگرسیون انجام‌شده نشان داد که هیچ‌یک از ابعاد باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه توان پیش‌بینی معنادار برای مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران و مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین را ندارند. بنابراین، نتیجه تحلیل رگرسیون برای این دو بُعد بیان نشده است. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان و مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی در جدول ۲ و ۳ آمده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان

ردیف	مقدار ثابت و متغیرهای پیش بین	b	β	t	p	R	R^2	F
۱	مقدار ثابت	۲۸/۰۷	-	۳/۶	۰/۰۰۰			
۲	باور به دنیای عادلانه برای خود	۰/۷۹	۰/۰۳	۰/۳۹	۰/۰۷	۰/۱۷	۰/۰۲۹	۲/۷۳*
۳	باور به دنیای عادلانه برای	۴/۲۲*	۰/۱۵*	۱/۸۶*	۰/۰۴			

ردیف	مقدار ثابت و متغیرهای پیش بین	b	β	t	p	R	R ²	F
	دیگران							
۴	باور به دنیای عادلانه عمومی	-۰/۵	-۰/۰۲	-۰/۲۳	۰/۸۲			
۵	باور به دنیای ناعادلانه	-۱/۲	-۰/۰۵	-۰/۹	۰/۳۷			

* $p < ۰/۰۵$

چنان که در جدول دیده می شود، از بین تمامی ابعاد باور به دنیای عادلانه، فقط باور به دنیای عادلانه برای دیگران قادر به پیش بینی مسئولیت پذیری مبتنی بر تعهد و پیمان است. همچنین، ضریب β استاندارد باور به دنیای عادلانه برای دیگران ۰/۱۵ است. ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۱۷ و واریانس تبیین شده مسئولیت پذیری در قبال تعهد و پیمان توسط باور به دنیای عادلانه برای دیگران ۲/۹ درصد است. در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی مسئولیت پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی آمده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون پیش بینی مسئولیت پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی

ردیف	مقدار ثابت و متغیرهای پیش بین	b	β	t	p	R	R ²	F
۱	مقدار ثابت	۱۰۵/۰۶	-	۷/۵۹	۰/۰۰۰			
۲	باور به دنیای عادلانه برای خود	۳/۸۴	۰/۰۷	۱/۰۶	۰/۲۹	۰/۱۸۳	۰/۰۳۳	۳/۲۳*
۳	باور به دنیای عادلانه برای	۷/۵۳*	۰/۱۵*	۱/۸۷*	۰/۰۴			

ردیف	مقدار ثابت و متغیرهای پیش‌بین	b	β	t	p	R	R^2	F
	دیگران							
۴	باور به دنیای عادلانه عمومی	-۳/۳۴	-۰/۰۶	-۰/۸۸	۰/۳۸			
۵	باور به دنیای ناعادلانه	-۲/۳	-۰/۰۷	-۱/۲۶	۰/۲۱			

$$*p < ۰/۰۵$$

چنان‌که در جدول ۳ دیده می‌شود، از بین تمامی ابعاد باور به دنیای عادلانه و دنیای ناعادلانه، فقط باور به دنیای عادلانه برای دیگران قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی است. ضریب β استاندارد باور به دنیای عادلانه برای دیگران برابر با ۰/۱۵ و ضریب همبستگی چندگانه نیز برابر با ۰/۱۸۳ و واریانس تبیین‌شده مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی توسط باور به دنیای عادلانه برای دیگران ۳/۳ درصد است. دو معادله رگرسیون برای پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان و مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی به شرح زیر است:

$$(\text{باور به دنیای عادلانه برای دیگران}) = ۲۸/۰۷ + ۴/۲۲ = \text{مسئولیت‌پذیری}$$

در قبال تعهد و پیمان

$$(\text{باور به دنیای عادلانه برای دیگران}) = ۱۰۵/۰۶ + ۷/۵۳ = \text{مسئولیت}$$

پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی

براساس نتایج بیان‌شده در جدول ۲ و ۳، پرسش سوم پژوهش به این

صورت پاسخ داده می‌شود:

آیا از طریق باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و به صورت عمومی و همچنین، از طریق باور به دنیای ناعادلانه می‌توان مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی را پیش‌بینی کرد؟ از طریق باور به دنیای عادلانه برای دیگران می‌توان مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی را پیش‌بینی کرد.

نتیجه

این پژوهش که با هدف بررسی رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی انجام شد، حمایت نسبی را برای نقش برخی از ابعاد باور به دنیای عادلانه برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی فراهم ساخت. در درجه اول، نتایج نشان داد، مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان با باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و عموم رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، میان مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین با دنیای عادلانه برای دیگران و بین مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی با دنیای عادلانه برای دیگران رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش در سطح همبستگی‌های ساده با نظریه‌های مطرح‌شده درباره رابطه عدالت با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی (کاوازچا، ۲۰۰۷؛ جامیسون، ۲۰۰۸؛ کاروسو، ۲۰۱۲؛ بربلس و همکاران، ۲۰۱۳) همسوست. همچنین، این بخش از یافته‌ها با نظریه‌ها و کارکردهای مطرح‌شده درباره باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و عموم، مبنی بر اینکه باور به دنیای عادلانه الزامی شناختی برای عمل به شیوه‌ای عادلانه را به همراه دارد (ناکسومالو، ۲۰۱۰؛ فتی، ۲۰۱۲؛ دونات و همکاران، ۲۰۱۲؛ کاپلان، ۲۰۱۲) همسوست. مسئولیت‌پذیری

اخلاقی و اجتماعی در قبال تعهد و پیمان، جنبه‌ای از مسئولیت‌پذیری است که میزان پایبندی افراد به عهد و قول‌هایی که به دیگران می‌دهند را منعکس می‌کند.

به این ترتیب، کسانی که به دنیای عادلانه باور دارند، مسئولیت‌پذیری بیشتری در قبال تعهد و پیمان نشان می‌دهند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که وقتی افراد به دنیای عادلانه معتقدند، به دنیای پیرامون خود نیز بیشتر اطمینان می‌کنند و به این ترتیب، مسئولیت‌پذیری بیشتری در قبال پایبندی به قول و قرارهای خود نشان می‌دهند. همچنین، باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کلی رابطه معنادار دارد. از این رو، می‌توان گفت که باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران به طور نسبی دارای کارکرد افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی است و به عنوان یک ساز و کار اثربخش در ارتقای تعهد نسبت مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی عمل می‌کند. دلیل نظری این موضوع این است که باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران به طور ضمنی مبتنی بر اصل مقابل‌به‌مثل است (گل‌پرور، ۱۳۸۹). درحقیقت، وقتی افراد به دنیای عادلانه برای خود و دیگران باوری نیرومند دارند، در اعماق وجود و ذهن خود پذیرفته‌اند که اگر عادلانه رفتار کنند و به مسئولیت‌های خود در کارهای گوناگون، از جمله کارهای اخلاقی و اجتماعی عمل کنند، دنیای عدالت‌محور عاقبت در قبال آن‌ها عادلانه و مسئولانه برخورد خواهد کرد.

بخش دیگر یافته‌ها در سطح همبستگی‌های ساده، حاکی از آن بود که باور به دنیای ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی در هیچ‌یک از ابعاد رابطه معناداری ندارد. این یافته به احتمال زیاد به این دلیل است که باور به

دنیای ناعادلانه که در این پژوهش سنجیده شد، باور به دنیای ناعادلانه عمومی است و نه باور به دنیای ناعادلانه شخصی. در واقع، باور به دنیای ناعادلانه عمومی نشان‌دهنده تمایل به رهایی از واکنش براساس هر قاعده منصفانه و عادلانه‌ای است (روزه‌بورگو و همکاران، ۲۰۱۱؛ روشنی و همکاران، ۲۰۱۳). از این روست که این نوع باورها ممکن است باعث رفتارهایی شود که در آن رد پای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی وجود نداشته باشد (کوریبا و دلبرت، ۲۰۰۸؛ پیچون و ساروگلو، ۲۰۰۹؛ وایت و همکاران، ۲۰۱۲). در عین حال، این یافته حاکی از آن است که پیامدهای رفتاری معطوف به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی مطرح برای باور به دنیای عادلانه، به احتمال زیاد، برای باور به دنیای ناعادلانه مطرح نیست.

یافته‌های این پژوهش در جدول ۱ نشان داد که مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران با هیچ یک از ابعاد باور به دنیای عادلانه و دنیای ناعادلانه ارتباط معناداری ندارد. این یافته خلاف انتظار است؛ به این دلیل که انتظار می‌رفت، باور به دنیای عادلانه برای دیگران، دست‌کم با این نوع مسئولیت‌پذیری رابطه داشته باشد. شاید دلیل این بی‌ارتباطی این است که افراد نمونه در پژوهش حاضر را جوانان دانشجو تشکیل داده‌اند. به احتمال زیاد، برای این قشر مسئولیت‌پذیری در قبال عهد و پیمان، بیش از مسئولیت‌پذیری مستقیم در قبال دیگران اهمیت دارد؛ به همین دلیل نیز، بین باور به دنیای عادلانه و دنیای ناعادلانه با مسئولیت‌پذیری مستقیم برای دیگران رابطه به دست نیامد.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هیچ یک از مؤلفه‌های باور به دنیای عادلانه قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران و مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین نیستند. این نتایج با آنچه در همبستگی‌های ساده به دست آمد،

همسوست. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان در مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی خود در قبال قوانین و دیگران، چندان از طریق باورهایشان در حوزه عدالت در دنیا تغذیه نمی‌شوند. در واقع شاید، دانشجویان از مسئولیت‌پذیری در قبال قوانین و دیگران فاصله می‌گیرند تا به‌طور رسمی از قید تعهدهای قانونی و انسانی رها شوند. همچنین شاید، این یافته به این دلیل به‌دست آمده است که دانشجویان با مسئول‌نشردن خود در قبال دیگران سعی می‌کنند موضعی بی‌طرف بگیرند. از طرف دیگر، شاید دلیل احتمالی این بخش از نتیجه‌ها را بتوان به سطح رشد شناختی دانشجویان که سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی آن‌ها را تعیین می‌کند، مربوط دانست. به زبانی ساده‌تر، فرد جوان یا بزرگ‌سال ممکن است، شناخت درستی از مسئولیت اخلاقی و اجتماعی خود داشته باشد و حتی کارهای لازم را برای رفتار مسئولانه اجتماعی و اخلاقی بشناسد. اما این فرد ممکن است به دلایل گوناگون نخواهد مسئولیت اخلاقی و اجتماعی مشخصی را در قبال دیگران و قانون بپذیرد.

نتایج ارائه‌شده در جدول ۲ و ۳ نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های باور به دنیای عادلانه، فقط باور به دنیای عادلانه برای دیگران قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی است. به این معنی که با افزایش میزان باور به دنیای عادلانه برای دیگران، میزان مسئولیت‌پذیری در قبال تعهد و پیمان و مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی کلی نیز افزایش می‌یابد. برای این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر، یافته‌های مشابهی در پژوهش‌های داخلی و خارجی در دسترس قرار نگرفت. با این حال، در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که باور به دنیای عادلانه برای دیگران را می‌توان نوعی تعلق ذهنی به سرنوشت دیگران در نظر گرفت. هرچه افراد به

دنیای عادلانه برای دیگران بیشتر معتقد باشند، پایبندی بیشتری در قبال مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی خواهند داشت.

در واقع، تعلق ذهنی به سرنوشت دیگران، فرد را ملزم می‌کند که به شیوه‌ای مسئولانه در قبال دیگران و جامعه رفتار کند. از طرف دیگر، هرچه باور افراد به دنیای عادلانه برای دیگران نیرومندتر باشد، به‌نوبه خود، تلاش بیشتری در راستای تحقق و برقراری عدالت می‌کنند. چنین دیدگاهی احساس اعتماد به محیط را در انسان افزایش می‌دهد و نگرش‌های تمثیلی، مانند «هرآنچه در دنیا انجام دهی، همان به تو بازمی‌گردد» را فعال می‌کند. بنابراین، افراد به مسئولیت اجتماعی و اخلاقی خود عمل می‌کنند تا دیگران هم در قبال آن‌ها مسئولانه رفتار کنند. بنابراین، زیربنای رابطه میان باور به دنیای عادلانه برای دیگران با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی کلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی در قبال تعهد و پیمان، باور به اصل مقابل‌به‌مثل است. به این مفهوم که فرد بر پایه اصل مقابل‌به‌مثل و با باور به دنیای عادلانه برای دیگران، مسئولیت‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهد تا برای او نیز چنین قاعده‌ای در دنیا عملی شود.

در پایان می‌توان گفت که باور به دنیای عادلانه برای خود و در سطح بالاتر، باور به دنیای عادلانه برای دیگران، کارکرد افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی دارد. این کارکرد می‌تواند کارکردهای باور به دنیای عادلانه را در کنار کارکردهایی، مانند ایجاد اعتماد به دیگران، پذیرش مسلط بودن عدالت بر سرنوشت انسان، انجام رفتار عادلانه برای حفظ عدالت و تلاش شناختی برای کاهش تأثیر بی‌عدالتی‌هایی که انسان با آن‌ها مواجه می‌شود، گسترش دهد. از نظر پژوهشی، پژوهشگران علاقه‌مند می‌توانند این

پژوهش را با گروه‌های نمونه بزرگ‌سال زن و مرد تکرار کنند و از این طریق، دانش نظری و پژوهشی مربوط به کارکردهای اجتماعی و اخلاقی باور به دنیای عادلانه را گسترش دهند. از نظر کاربردی نیز می‌توان با طرح نقش‌های باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران در فضاهای دانشگاهی، بین دانشجویان تأمل درباره نقش این باورها را پدید آورد و از این طریق، زمینه را برای فعال شدن نقش این باورها برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی فراهم ساخت. در پایان، باید در تعبیر و تفسیر نتایج، محدودیت‌ها و احتمال‌هایی، مانند محدود بودن گروه نمونه در پژوهش و احتمال متفاوت بودن مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی گزارش شده با رفتار مسئولیت‌پذیرانه واقعی مدنظر قرار گیرد.

منابع

۱. گل پرور، محسن، ۱۳۸۹، «ساختار عاملی پرسشنامه باور به دنیای عادلانه رابین و پیلاو؛ شواهدی از تمایز بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه»، اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، س ۵، ش ۱۸، ص ۷ تا ۲۰.
۲. گل پرور، محسن و دیگران، ۱۳۹۱، «الگوی ساختاری روابط بین روان پریشی، پارانویا، خصومت و حساسیت بین فردی با باور به دنیای ناعادلانه»، اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، س ۷، ش ۲۵، ص ۵۷ تا ۶۶.
۳. گل پرور، محسن و حمیدرضا عریضی، ۱۳۸۶، «اعتباریابی پرسشنامه‌های باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران»، فصلنامه علوم/انسانی دانشگاه اصفهان، س ۲۵، ش ۴، ص ۱۹۴ تا ۲۱۲.
۴. گل پرور، محسن و زهرا واثقی، ۱۳۹۰، «مقایسه رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه بر پایه سطوح سه گانه اسناد»، مجله روان شناسی، ۱۵(۳/۵۳)، ص ۲۳۵ تا ۲۵۲.
۵. محمودیان، محمدرفیع، ۱۳۸۰، اخلاق و عدالت، چ ۱، تهران: انتشارات طرح نو.
6. Brebels, L., De Cremer, D., Van Dijke, M., & Van Hiel, A. (2011). Fairness as social responsibility: A moral self-regulation account of procedural justice enactment. *British Journal of Management*, 22(1), 47-58.
7. Brebels, L., De Cremer, D., Sedikides, C., & Van Hiel, A. (2013). Self-focus and procedural fairness: The role of self-rumination and self-reflection. *Social Justice Research*, 26, 151-167.

8. Caruso, G. D. (2013). Exploring the illusion of free will and moral responsibility. 1th edition, Lexington Books.
9. Collin, K. (2006). Morals-social responsibility questionnaire. BBC-Science & Nature. Com
10. Correia, I., & Dalbert, C. (2008). School bullying: Belief in a personal just world of bullies, victims and defenders. *European Psychologist*, 13, 249-254.
11. Chwaszcza, C. (2007). Moral responsibility and global justice. A human rights approach. 1th edition, Nomos, Baden-Baden Press.
12. Dalbert, C. (2001.) The justice motive as a personal resource: dealing with challenges and critical life events. New York, Plenum Press.
13. Dalbert, C., Lipkus, I.M., Sallay, H., & Goch, I. (2001). A just and an unjust world: structure and validity of different world beliefs. *Personality and Individual Differences*, (30), 561-577.
14. Donat, M., Umlauf, S., Dalbert, C., & Kamble, S. V. (2012). Belief in a just world, teacher justice, and bullying behavior. *Aggressive Behavior*, 38, 185-193.
15. Fetty, D. G. (2012). Is there justice in trauma? A path analysis of belief in a just world, coping, meaning making, and

- posttraumatic growth in female sexual assault survivors. 1th edition, Southern Illinois University Carbondale Press.
16. Furnham, A. (2003). Belief in a just World: research progress over the past decade. *Personality and Individual Differences*, 34: 795-817.
17. Gilliland, S. W., Steiner, D. D., & Skarlicki, D. P. (2008). Justice, morality, and social responsibility: Research in social issues in management. 1th edition, Information Age Publishing Inc.
18. Hill, C. A. (2009). Emerging paradigms of rationality: Rationality in an unjust world: A Research Agenda. *Queen's Law Journal*, 35(1), 185-218.
19. Jamieson, D. (2008). Ethics and the environment: An introduction. Cambridge: Cambridge University Press.
20. Jost, J. T. & Kay, A. C. (2011). Social Justice: History, Theory, and Research. In S.T. Fiske, D. Gilbert, & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of social psychology*. (Vol. 2, pp. 1122-1165). 5th edition, Hoboken, New Jersey.
21. Kaplan, H. (2012). Belief in a just world, religiosity and victim blaming. *Archive for the Psychology of Religion*, 34(3), 397-409.

- 22.Laurin, K., Fitzsimons, G.M., & Kay, A.C. (2011). Social disadvantage and the self-regulatory function of justice beliefs. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100(1), 149-171.
- 23.Lerner, M., & Clayton, S. (2011), Justice and self-interest: Two fundamental motives. New York: Cambridge University Press.
- 24.Lench, H.C., & Chang, E.S. (2007). Belief in an unjust world: when beliefs in a just world fail. *Journal of Personality Assessment*, 89(2), 126-135.
- 25.Liang, C. T. H., & Borders, A. (2012). Beliefs in an unjust world mediate the associations between perceived ethnic discrimination and psychological functioning. *Personality and Individual Differences*, 53(4), 528-533.
- 26.Lucas, T., Zhdanova, L., & Alexander, S. (2011). Procedural and distributive justice beliefs for self and others: Assessment of a four-factor individual differences model. *Journal of Individual Differences*, 32(1), 14-25.
- 27.Nxumalo, T. (2010). Proactive coping, just world beliefs and future aspirations of an adult survivor of childhood sexual abuse. Unpublished Magister Education Dissertation in Educational Psychology, University of Pretoria.

28. Oppenheimer, L. (2005). Justice and the belief in a just world: A developmental perspective. *Personality and Individual Differences*, 38, 1793-1803.

29. Pichon, I., & Saroglou, V. (2009). Religion and helping: Impact of target thinking styles and just-world beliefs. *Archive for the Psychology of Religion*, 31, 215-236.

30. Roseborough, J., Wiesenthal, D. L., Flett, G. L., & Cribbie, R. A. (2011). The belief in an unjust world and narcissism: The influence of personality on perceptions of injustice, driving anger, and aggressive driving. *Proceedings of the 21st Canadian Multidisciplinary Road Safety Conference*, Halifax, Nova Scotia, May 8-11, 2011.

31. Roshani, K., Jalili, S., & Mohri Adaryani, M. (2013). Investigating relational patterns of belief in a just/unjust world, satisfaction with life and mental health in female students. *Current Research Journal of Biological Sciences*, 5(3), 136-140.

32. Scott, B. A., Colquitt, J. A., & Paddock, E. L. (2009). An actor-focused model of justice rule adherence and violation: the role of managerial motives and discretion. *Journal of Applied Psychology*, 94, 756-769.

33. Skitka, L. J., Bauman, C. W., & Mullen, E. (2008). Morality and justice: An expanded theoretical perspective and review. In

K. A. Hedgvedt & J. Clay Warner (Eds.), *Advances in group processes*, Vol. 25 (*pp.* 1 -27). Bingley, UK: Emerald Group Publishing Limited.

34.Sommers, T. (2012). *Relative justice: Cultural diversity, free will, and moral responsibility*. 1th edition, Princeton University Press.

35.Sutton, R. M., & Douglas, K. M. (2005). Justice for all, or just for me? More evidence of the importance of the self-other distinction in just-world beliefs. *Personality and Individual Differences*, 39, 637-645.

36.Tyler, T. R. & De Cremer, D. (2009). 'Ethics and rule adherence in groups'. In D. De Cremer (ed.), *Psychological perspectives on ethical behavior and decision making*.

Greenwich, CT: Information Age.

37.Wendorf, C. A., Alexander, S., & Firestone, I. J. (1999). *Social justice and moral reasoning: An empirical integration of two paradigms in psychological research*. Presented at the 107th Annual Meeting of APA August 1999; Boston, MA.

38.White, K., MacDonnell, R., & Ellard, J. H. (2012). Belief in a just world: Consumer intentions and behaviors toward ethical products. *Journal of Marketing*, 76, 103–118.